

کارل گوستاو یونگ



# روان‌شناسی و کیمیاگری

(انسان و اسطوره‌هایش)



ترجمه محمود بهفروزی

۱۳۹۷

## فهرست مطالب

۹	فصل اول: مقدمه‌ای بر مسائل مذهبی
۶۳	فصل دوم: نمادهای رویایی فرآیند فردیت
۶۵	دیباچه
۶۵	۱- موضوعات
۷۴	۲- رؤیاهای اولیه
۷۵	رویا
۷۶	۳- احساس دیداری توهمات
۷۷	۴- رؤیا
۸۲	۵- توهم
۸۳	۶- توهم (بلافاصله پس از توهم پیشین)
۸۵	۷- توهم
۸۷	۸- توهم
۸۸	۹- رؤیا
۸۸	۱۰- توهم
۹۲	۱۲- رؤیا
۹۳	۱۳- توهم
۱۰۰	۱۴- رؤیا
۱۰۳	۱۵- رؤیا
۱۱۰	۱۶- رؤیا

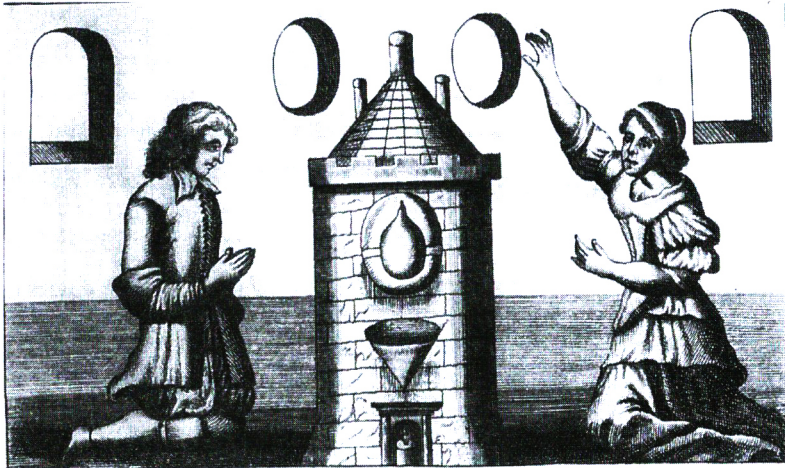
۲۴۶	۴۶- رؤیا
۲۴۷	۴۷- رؤیا
۲۴۷	۴۸- رؤیا
۲۴۸	۴۹- رؤیا
۲۴۸	۵۰- رؤیا
۲۴۸	۵۱- رؤیا
۲۵۰	۵۲- رؤیا
۲۵۰	۵۳- رؤیا
۲۵۱	۵۴- رؤیا
۲۵۶	۵۵- رؤیا
۲۵۷	۵۶- رؤیا
۲۵۹	۵۷- توهم
۲۶۰	۵۸- توهم
۲۶۲	چشم انداز زمان سنج عالم
۲۶۹	چشم انداز عظیم
۲۷۵	۴ نمادهای «خود»
۲۸۷	فصل سوم: برداشتی تاریخی از تفکرات کیمیاگری
۲۸۹	مفاهیم بنیادین کیمیاگری
۲۸۹	۱- مقدمه
۲۹۱	۲- فرآیند کیمیاوی و مراحل آن
۲۹۵	مقاهیم و نمادهای هدف
۳۰۵	۲- ماهیت روانی کیمیاگری
۳۰۵	۱- فرافکنی محتویات روانی
۳۱۹	۲- جبهه گیری دماغی در برابر کار کیمیاگری
۳۴۱	۳- تفکر و تصوّر
۳۴۶	روح و تن
۳۵۴	۳- کار

۳۵۴	۱ - روش
۳۶۲	۲ - روح در ماده
۳۷۳	۳ - رهایی - رستگاری
۳۸۵	۴ - ماده اولیه
۳۸۵	۱ - تعاریف ماده
۳۸۸	۲ - خلق ناشده
۳۹۳	۳ - حضور کامل و کمال
۳۹۶	۴ - شاه و شاهزاده
۴۰۲	۵ - اسطوره قهرمان
۴۰۹	۶ - گنج پنهان
۴۱۴	۵ - قرینه سنگ - مسیح
۴۱۴	۱ - تجدید حیات
۴۲۶	۲ - مستنداتی در تعبیر مذهبی لایبی
۴۲۶	الف - ریموند لول
۴۲۹	ب - تراکتوس ئورئوس
۴۳۰	ج - زوزیم و فلسفه انسان - میمون
۴۴۵	د - پطروس بونوس
۴۴۹	ه - «سپیده دم» و حکمت «سایب ینتا»
۴۷۰	و - ملکیور سیبی تنسیس
۴۷۰	ر - تعبیر عشای ربانی
۴۸۲	ز - جورج ریپلی
۴۹۸	ح - نسل دوم. تقلیدچی ها
۵۰۹	فصل چهارم: نمادینه سازی کیمیاوی در تاریخ ادیان
۵۱۱	۱ - ناخود آگاه، گهواره نمادها
۵۱۵	مُثل تک شاخ
۵۱۵	الف - زمینه تک شاخ در کیمیا
۵۱۸	ب - تک شاخ در تمثیلهای کلیسایی

۵۲۸	ج - تک شاخ در مکتب گنوسی
۵۳۳	د - سوسک تک شاخ
۵۳۴	ه - تک شاخ در «وداها»
۵۳۷	و - تک شاخ در ایران
۵۴۳	ح - تک شاخ در سنت یهود
۵۵۰	ط - تک شاخ در چین
۵۵۱	ی - جام تک شاخ
۵۵۷	پی نوشت



تصویر ۱. آفریدگار به صورت فرمانروای جهان سه لایه و چهار لایه با آب و آتش به صورت همتای آسمان - "Liber patris sapientiae" Theatrum chemicum Britannicum (1652)



تصویر ۲. دو کیمیاگر کنار کوره نشسته‌اند و دعا می‌کنند تا از پروردگار برکت گیرند -

Mutus liber (1702)

آنان که با روانشناسی تحلیلی سروکار داشته‌اند، نیازی به توضیحات  
 ارائه شده در این مقدمه ندارند. اما برای آن دسته از خوانندگانی که  
 بدون آگاهی‌های مقدماتی این کتاب را مطالعه می‌کنند. ادای پاره‌ای  
 رهنمودها بی‌فایده نخواهد بود. چون مفاهیم «بالندگی شخصیت»  
 [فردی Individuation]<sup>۱</sup> و کیمیاگری به قدری دور از یکدیگر به نظر می‌آیند  
 که حتی قوهٔ تخیل نیز به زحمت می‌تواند رابطه‌ای میان آنها تصور کند. از این  
 رو لازم می‌آید، برای این دسته از خوانندگان توضیحاتی ارائه گردد به ویژه

۱. به معنای مَبَش، فردیت؛ اصطلاحی در فلسفه به مفهوم ویژگی‌هایی که یک فرد را از دیگران  
 متمایز می‌سازد.

آن که در جریان انتشار متنِ سخنرانی‌هایم مجالی دست داد که شاهد ابهام برخی از گفته‌هایم در نگاه ناقدان باشم.

۲ آنچه را که من درباره‌ی «طبیعت روان انسانی» مطرح می‌کنم در مرتبه نخست بر اساس مشاهداتی است که درخصوص انسانها داشته‌ام. بر من خرده می‌گیرند که این مشاهدات محدود به تجربیاتی است که تاکنون ناشناخته‌اند و با دشواری می‌توان به آنها دست یافت.

مطلب جالب توجهی که همواره با آن رو به رو هستیم این است که تمام مردم، حتی ناآگاه‌ترین افراد می‌بندارند از جزیی‌ترین مباحث روانشناسی آگاهی دارند، گویی روان آدمی درست محدودی آئینه است که به بهترین وجه بازتاب تمام دانایی‌ها را در آن می‌توان دید. از این روی وقتی مدعی می‌شوم که روح آدمی مبهم‌ترین و اسرارآمیزترین چیزی است که در تجربیات خود با آن رو به رو شده‌ام و گستره فراگیری و شناخت آن هرگز نقطه پایانی ندارد تنها افراد واقعاً آگاه از روانشناسی این ادعا را باور می‌کنند. من در حرفه خود روزی نیست که با مورد تازه و غیرمنتظره‌ای رو به رو نشوم. البته آزموده‌های من موضوعاتی پیش پا افتاده، معمولی و ساختگی نیستند و این تجربیات می‌توانند در اختیار تمام روانپزشکانی قرار گیرند که خود را وقف این زمینه خاص می‌کنند. از این روی تصور می‌کنم، دست‌کم خنده‌دار است که از من انتقاد شود، چه من تجربیاتی ناشناخته را عرضه می‌دارم و خود را پاسخگوی انبوه کاستیهای روانشناسی عمومی نمی‌دانم.

۳ در سیر تحوّل تحلیلی، یعنی مباحثه جدلی میان ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه شاهدنوعی بالندگی و پیشرفت به سوی یک هدف یا انجام هستیم که مشکل کشف رمز آن سالها ذهن مرا به خود مشغول داشته بود. در هر یک از مراحل درمان، امکان رسیدن به نتیجه وجود دارد بی آن که



همواره اطمینان از رسیدن به هدف کاملاً احساس شود. شگفت این که در هر یک از مراحل زیر امکان رسیدن به هدف وجود دارد: ۱- پس از آن که بیمار توصیه‌های مناسبی می‌شنود: ۲- پس از یک اعتراف کم و بیش کامل ولی در مجموع کافی: ۳- پس از دریافت و پذیرش یک محتوای روانی - تا آن زمان - ناخودآگاه هر چند اصولی و بنیادین و رسیدن به آن خودآگاهی که بتواند شوق حرکت و نشاطی نوین به بیمار ببخشد؛ ۴- پس از گسستن بیمار از روان کودکی از طریق یک مداوای دشوار روان‌پزشکی؛ ۵- پس از ایجاد یک تطبیق منطقی نوین با شرایط یک زندگی شاید سخت و طاقت فرسا یا استثنایی؛ ۶- پس از محو نشانه‌های [یک بیماری] رنج‌آور؛ ۷- پس از یک چرخش مثبت در روند زندگی: نامزدی، ازدواج، طلاق تغییر شغل و غیره؛ ۸- پس از ایمان دوباره به یک مذهب یا پس از یک تغییر مذهب؛ ۹- پس از طرح یک فلسفه عملی از زندگی («فلسفه» به مفهوم دیرین آن!).

با آن که دگرگونیها و جایگزینیها و ملحقاتی دیگر نیز می‌توانند این <sup>۴</sup> فهرست را کامل کنند، ولی به عقیده من اصول مهم و اساسی همان است که به آنها اشاره شد و مراحل تحولات روان درمانی آنها به طور موقت و گاه به طور کامل پایان می‌پذیرد. با این حال، تجربه نشان داده است که تلقی پایان کار با پزشک - برای درصد نسبتاً بالایی از بیماران - به هیچ عنوان مفهوم پایان گفتار درمانی نیست. حتی بر عکس درگیری با ضمیر ناخودآگاه ادامه و توسعه می‌یابد. چنانکه موارد زیادی سراغ داریم که بیماران رابطه با پزشک را حفظ کرده‌اند و گاه پس از سالها با بیماران قدیمی روبه رو می‌شویم که شرح جالبی از تغییر حالت‌های خود پس از درمان می‌دهند. چنین تجربیاتی پیش از هر چیز به من ثابت کرد که در روح فرایندی به سوی هدف نهایی وجود دارد که شاید مستقل از شرایط خارجی باشد و همین تجربیات از نگرانیهایی که در اندیشه داشتیم، آزاد کرد، این